



نگاهی به کتاب

«باستان شناسی و

جغرافیای تاریخی قرآن»

سؤند: محمد شمس

یکی از موضوعات مورد علاقه این جانب، باستان شناسی است. مخصوصاً اگر با کتب مقدس ارتباط داشته باشد. از این رو یک سال قبل که در یکی از نشریات، از انتشارات قریب الوقوع کتابی به نام «باستان شناسی جغرافیای تاریخی قصص قرآن» از جناب آقای دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی خبری خواندم، بی صبرانه در انتظار انتشار کتاب ماندم تا این که در نمایشگاه کتاب تهران آن را یافته، تهیه و با دقت مطالعه کردم. اما با مطالعه صفحات آغازین کتاب متوجه کم دقتی ها، آشفتگیها و اشکالاتی در تحریر کتاب شدم که باعث حیرتم گردید. البته با نوشته های آقای بی آزار شیرازی بیش از بیست سال است که آشنا هستم و تا آنجا که اطلاع دارم ایشان بسیار علاقه مند به استفاده از تصاویر در کتب خودشان هستند که البته کاری پسندیده است.

گاهی صدر و ذیل مطالب کتاب ایشان یکدیگر را نفی می کنند. بنابراین کتاب آقای بی آزار شیرازی هم در طرح کلی و هم در بیان اجزا، حاوی ضعفها و اشتباهاتی است. این کتاب توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی، در ۵۴۰ صفحه همراه با تعدادی تصویر، به قیمت ۲۹۵۰۰ ریال در دسترس علاقه مندان قرار گرفته است. که به دلیل حجم کتاب، نقد و بررسی آن فرصت زیادی می طلبد، لذا در اینجا تنها تا صفحه ۱۵۵ مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ایشان در صفحه ۴ نوشته اند:

از آنجا که در زمان گذشته باستان شناسی کم تر مورد توجه بوده متأسفانه بسیاری از مفسرین به افسانه ها و اساطیر کتب پیشین و اسرائیلیات روی آوردند و مورخینی

مانند طبری، مسعودی، یعقوبی و واقدی کتابهایی در تاریخ امم و ملوک نوشتند. این ادعا درست نیست. زیرا روی آوردن مفسران به آنچه نویسنده، افسانه و اساطیر کتب پیشین و اسرائیلیات خوانده، معلول توجه کم تر به باستان شناسی در زمان گذشته نیست و ریشه این امر را باید در وضع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی عصر این مفسران جست و جو کرد. ضمن این که خود نویسنده به دفعات از همین مطالبی که اسرائیلیات خوانده می شود، استفاده کرده که در ادامه مقاله نمونه هایی را خوا همیم دید.

در همان صفحه ۴ چنین آمده:

افسانه های اسرائیلی آن قدر بی پایه بود که حتی در آغاز قرن نوزدهم میلادی یکی از موجبات بی ایمانی مردم آمریکا گردید.

دکتر بی آزار شیرازی نفوذ اسرائیلیات را از شرق به غرب کشانده و آن را یکی از موجبات بی ایمانی مردم آمریکا آن هم در آغاز قرن نوزدهم میلادی می داند اما توضیح نمی دهد چرا و چگونه؟

در صفحات ۴ و ۵ به نقل از دکتر جان الدر می نویسد:

از سال ۱۸۹۰ میلادی باستان شناسی علمی آغاز گردید و به تدریج اختراعات و اکتشافات جدید مانند دوربین عکاسی، هواپیما، اشعه ایکس و مادون قرمز و آزمایش آثار و بقایای انسانهای باستانی به طریق کارین به کمک باستان شناسی علمی شتافت. در این میان دانشمندانی برای کشف حقایق کتاب مقدس راجع به پیامبران و امتهای باستان شناسی پرداختند. از جمله پول بوترا در موصل و دکتر لئونارد ولی در اورکله در جنوب بین النهرین، به تحقیق و حفاری پرداختند و محل طوفان نوح و زادگاه حضرت ابراهیم را کشف کردند. (باستان شناسی کتاب مقدس، ص ۳۴-۴۴)

اگر دانشمندان برای کشف حقایق کتاب مقدس... محل طوفان نوح و زادگاه ابراهیم را کشف کردند معلوم می شود که این دانشمندان اطمینان و اعتقاد داشته اند که مطالب مندرج در کتاب مقدس صحیح است لذا بر آن اساس به کشفیات دست زدند و نتیجه هم گرفتند. از طرفی مطلب فوق که نویسنده مدعی است در ص ۳۴-۴۴ کتاب باستان شناسی کتاب مقدس آمده درست نیست. زیرا قسمت اول در صفحات ۹ و ۱۰ از کتاب مذکور و قسمت دوم در صفحات ۱۳، ۳۴ و ۴۴ آمده است.

در صفحه ۶ می خوانیم:

لازم است که با استفاده از کتاب جغرافیایی قدیم و نیز کشفیات باستان شناسان برای شناخت جغرافیای تاریخی قرآن کمک گیریم. (توبه، آیه ۶۰)

برای راقم معلوم نشد که علت ارجاع نوشته فوق به آیه ۶۰ از سوره توبه چه بوده، زیرا مطلب ایشان به آیه مذکور هیچ گونه ارتباطی ندارد.

در صفحه ۱۹ به نقل از مجله الهلال آمده:

از نظر دانشمندان باستان شناسی، انسان اولیه در شهرهای معروف بین النهرین ظهور کرده است. تمامی قرائن در تورات دلالت بر آن دارد که بهشت عدن، در بین النهرین بوده است...

گزارشات باستان شناسان حاکی است که آنان در بین النهرین، آثار جدیدی کشف کرده اند که ثابت می کند داستان آدم و حوا واقعیت داشته، و از این منطقه نشأت گرفته است.

چنان که گذشت، نویسنده روی آوردن بسیاری از مفسران به آنچه که ایشان اسرائیلیات خوانده، ناشی از توجه کم تر به باستان شناسی دانسته و این قول بدین معنی است که با توجه به پیدایش علم باستان شناسی روی آوردن به اسرائیلیات فاقد ارزش است.

اما به راستی اسرائیلیات یا افسانه های اسرائیلی چیست؟ مگر نه این است که مصادر اسرائیلیات را کتب یهود یعنی تورات و دیگر کتب عهد عتیق، تلمود، و حتی کتب نصارا از جمله اناجیل و دیگر کتب عهد جدید می دانند و ورود اسرائیلیات به احادیث و تفاسیر اسلامی را به کعب الاحبار، تمیم داری، عبدالله بن سلام و امثالهم که یهودی بوده اند و برای حفظ جان و یا مصلحت و یا تخریب عقاید مسلمانان به ظاهر اسلام آوردند دانسته اند؟ در اینجا می گوئیم:

اولاً: ادعای مؤلف خلاف قول مشهور است که ورود اسرائیلیات به احادیث و تفاسیر را از طرف افراد مذکور و تعمدی می دانند. زیرا نویسنده روی آوردن به اسرائیلیات را از جانب مفسران دانسته و نه توطئه یهودیان جدید اسلام.

ثانیاً: اختراعات و اکتشافات جدید همانند دوربین عکاسی، هواپیما، اشعه ایکس و مادون قرمز و کربن که به کمک باستان شناسی شتافته و نتیجه اکتشافات این بوده که انسان اولیه در شهرهای معروف بین النهرین ظهور کرده است. و گزارشات آن حاکی است که در بین النهرین آثار جدیدی کشف کرده اند که ثابت می کند داستان آدم و حوا واقعیت داشته و از این منطقه نشأت گرفته است و تمامی قرائن در تورات دلالت بر آن دارد که بهشت عدن در بین النهرین بوده است. نتیجه این می شود که باستان شناسی علمی با کمک اکتشافات، نوشته های

تورات را که مصدر اسرائیلیات محسوب می‌شود، مورد تصدیق قرار داده است. ثالثاً: نویسنده که بسیار تلاش کرده با آوردن شواهدی از کتاب دکتر جان الدر و مجله الهلال، باستان شناسی و گزارشات باستان شناسان را برای رد اسرائیلیات بکار برد، خود آگاهانه یا ناآگاهانه اولین و مهم‌ترین مصدر اسرائیلیات یعنی تورات را مورد تأیید قرار داده است. مؤلف محترم در همان صفحه ۱۹ چنین آورده:

داستان آدم و حوای تورات در ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد حضرت مسیح نگاشته شده است و اکنون باستان شناسان به آثاری دست یافته‌اند که این داستان را در حدود ۲۰۰۰ سال دیگر به عقب برمی‌گرداند.

ما می‌دانیم که آورنده تورات حضرت موسی بود و آن حضرت در اوایل ۱۲۰۰ ق - م می‌زیسته، لذا معلوم نیست که چرا نویسنده محترم به خود زحمت نداده که با اندکی تحقیق به این حقیقت دست یابد تا اینکه چند قرن تاریخ کلیم الله را به عقب برنگرداند و البته ادعای ایشان نمی‌تواند اشتباه چاپی باشد زیرا در صفحه ۲۰ مجدداً و به طریق دیگر این امر را تکرار کرده‌اند. در صفحات ۲۰ و ۲۱ چنین نگاشته است:

یک هیأت علمی اعزامی با اشراف چند مدرسه و دانشگاه آمریکایی به ریاست دانشمند مشهور دکتر سبیرز بودند. این هیأت اعزامی چندین سال در خرابه‌های اورکلدانیان که گمان می‌رفت زادگاه حضرت ابراهیم خلیل (ع) است به حفاری پرداختند.

از نویسنده می‌پرسیم؛ این هیأت اعزامی که چندین سال در خرابه‌های اورکلدانیان به حفاری پرداختند از کجا گمان برده بودند که آنجا زادگاه حضرت ابراهیم است؟ مگر نه این است که گمان آنان بر قول و نوشته تورات استوار بوده؟ زیرا تورات از اورکلدانیان به عنوان زادگاه حضرت ابراهیم نام برده. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اولاً: بار دیگر باستان شناسی نوشته تورات را تصدیق کرده، ثانیاً: علم باستان شناسی نه تنها خلاف نوشته‌های تورات نبوده بلکه دانشمندان این علم به دلیل اعتقاد به صحت تورات دست به کاوشی چندین ساله زده‌اند. در صفحه ۲۹ در ارتباط با نوع (ع) می‌نویسد:

(نوح) یکی از پیامبران اولوالعزم و ناصح امین است. (هود، آیات ۲۷، ۷۱، ۱۰۷)

این نقل قول درست نیست، زیرا تنها آیه ۲۷ مربوط به نوح است و دو آیه ۷۱ و ۱۰۷

هیچ ارتباطی با نوح ندارد.

باز در همان صفحه نوشته:

حضرت نوح جد هفتمین بعد از آدم و پدر دومین نوع بشر، عادل، کامل، باخدا و واعظ عدالت ... بود. (انجیل، بطرس، ۲: ۵)

در نقل قول فوق چند اشکال وجود دارد: اول این که جمله مذکور دقیقاً از کتاب قاموس مقدس صفحه ۸۹۶ نقل شده. دوم این که، آیه ۵ نیست و ۶ است و از این معلوم می شود که نویسنده به قول مستر هاکس، صاحب قاموس کتاب مقدس اطمینان کرده که البته ممکن است اشتباه چاپی باشد. ضمن این که تنها عبارت «واعظ عدالت» در متن مورد ارجاع آمده. سوم این که ایشان جمله مذکور را مقتبس از انجیل بطرس ۲: ۵ دانسته، در حالی که اصلاً در عهد جدید رساله ای یا کتابی به این نام وجود ندارد. بلکه دو رساله منسوب به بطرس است که عبارت «واعظ عدالت» در رساله دوم بطرس ۲: ۵ آمده، ضمناً کتابی به نام بطرس وجود دارد که جزء کتب مجعوله می باشد.

در همین صفحه ۲۹ آورده:

(نوح) ایمانش مشهور بود. (تورات، عبرانیان ۱۱: ۷)

از آنجایی که نویسنده، این مطلب را همانند فراز فوق دقیقاً از قاموس کتاب مقدس و به دنبال عبارت قبلی نقل کرده، بار دیگر دچار اشتباه شده و تصور کرده چون واژه عبرانیان تداعی کننده قوم یهود است و کتاب مقدس یهودیان تورات و به زبان عبری است، بنابراین در تورات بخشی است به نام عبرانیان؟ در حالی که در عهد جدید رساله ای به نام «رساله به عبرانیان» وجود دارد و عبارت فوق در رساله مذکور وجود دارد. بنابراین خوانندگان محترم ملاحظه می فرمایند که مؤلف ارجمند در نوشته خویش تابع نقل ناقلان از جمله دکتر جان الدر و مسترهاکس بوده اند.

در صفحه ۳۲ می نویسد:

از نظر مدارش هر قطره آبی که بر ایشان فرود می آوردند در جهنم گرم شده بود.

(مدارش تکوین رباح، باب ۲۸)

نویسنده، مدارش تکوین رباح باب ۲۸ را نخوانده و خود به آن رجوع مستقیم نکرده و در جمله فوق تابع نقل مرحوم دکتر خزائلی در کتاب اعلام قرآن، ص ۶۴۳ بوده، زیرا را قم این سطور مدارش تکوین رباح باب ۲۸ را دیده و چنین چیزی در آن نیافته، ضمن این که چنان که ملاحظه می شود مؤلف خود از اسرائیلیات استفاده کرده است.

در صفحه ۳۲ آیه فالتقی الماء ... از سوره قمر آیه ۱۲ را آیه ۲ نوشته، که ممکن است

اشتباہ چاپی باشد .

در صفحہ ۳۹ سال ۳۲۰ ق۔ م آمدہ کہ صحیح آن ۳۲۰۰ ق۔ م است .

مؤلف در صفحہ ۴۱ می نویسد :

تورات محل فرود کشتی نوح را ، کوههای آزارات ذکر کرده است (سفر پیدایش ۴: ۸) و

آن کوه ماسیس در ارمنستان است .

بار دیگر نویسنده جهت تأیید ادعای خود به مرکز ثقل اسرائیلیات یعنی تورات متوسل

شده و ناخواسته! فن آوری پیشرفته یعنی ماهواره را مؤید تورات می داند . همان توراتی کہ

یکی از موجبات بی ایمانی مردم آمریکا گردید ، چنانکہ نویسنده مدعی شده بود .

در صفحہ ۴۳ مطلبی بہ نقل از کتاب تورات ، انجیل ، قرآن و علم ، ص ۲۹۲ ذکر کرده

و بہ غلط ص ۱۹۲ نوشته شده کہ بہ نظر می رسد اشتباہ چاپی باشد .

در صفحہ ۴۵ آورده :

سال ۱۹۵۳ وقتی باستان شناسان روسی در وادی قاف مشغول حفاری بودند ، بہ چند

تخته قطور پوسیدہ برخوردند کہ بعداً معلوم شد قطعات جدا شدہ از کشتی نوح است .

نویسنده از کجا با این قاطعیت ادعا می کند کہ تخته های پیدا شدہ ، قطعات جدا شدہ از

کشتی نوح است ؟ شاید می خواہد بگوید تخته های از چوب کوفر بودہ و آثار قیر در آن دیدہ

شدہ چنان کہ در تورات ، سفر پیدایش ۶ : ۱۴ آمدہ کہ در این صورت باز ہم نویسنده بہ

اسرائیلیات روی آورده !!

دگر بار در صفحہ ۵۳ می نگارد :

قبل از حفاری باستان شناسان در خاک بین النہرین ، کسی از موقعیت و وضع شهر

اور زادگاہ و مسکن حضرت ابراہیم اطلاعی نداشت... ولی در نتیجہ تحقیقات لئونارد

وولی و دیگر دانشمندان معلوم شد کہ اور شهری با عظمت و ثروتمند و پایتخت

ملتی بزرگ بودہ است . (باستان شناسی کتاب مقدس ، ص ۳۷)

و بار دیگر نویسنده با استناد بہ باستان شناسی ، تورات را مورد تصدیق قرار دادہ یعنی

همان مصدر اسرائیلیات .

در صفحہ ۵۷ چنین نوشته :

طبق قرائن و مدارک باستان شناسان ، پادشاهان شهر اور بسیار ستمگر و بی رحم

بودہ اند ، (باستان شناسی کتاب مقدس ، ص ۳۹)

در این نقل قول از کتاب مذکور تحریف صورت گرفته زیرا در آن کتاب چنین آمده :
طبق قرائن و مدارک موجود، این تمدن متعلق به مردمی بسیار ستمگر و بی رحم بوده است .
اکنون اگر خواننده ارجمند دو متن را با هم مقایسه کند، تحریف نویسنده را به خوبی
مشاهده خواهد کرد .

در صفحه ۸۳ و ۸۶ نام منسه پادشاه یهود که در ۶۹۸ ق - م به قدرت رسید . منه نوشته
شده که به نظر می رسد اشتباه چاپی باشد .
در صفحه ۸۸ نوشته :

حضرت یونس چون از ایمان آوردن مردم نینوا مأیوس گردید . سخت ناراحت شد، به
طوری که به آنان وعده نزل عذاب آسمانی را داد که تا چند روز دیگر به آنان فرا
می رسد و آن گاه بی آن که از جانب خداوند فرمانی دریافت دارد . باحالت خشم نینوا
را به مقصد یافا ترک کرد . (تورات، پیدایش ۳: ۸-۱۰، مزامیر ۱۳۹: ۷-۱۳)

این نقل قول از سفر پیدایش ۳: ۸-۱۰ درست نیست . زیرا محتوای سفر پیدایش مربوط به
چند هزار سال قبل از عصر یونس است . هم چنین ارجاع به مزامیر ۱۳۹: ۷-۱۳ نیز غلط است .
البته مطلب مورد نظر نویسنده در کتاب یونس باب ۳ آیه ۴ و باب ۱۴ آیه ۵ مندرج است .
در صفحه ۱۵۵ مطلبی را نقل می کند و در پاورقی، آن را به کتاب داود نبی ۱۱: ۱۳ و
سفر اعداد ۲۱: ۲۶ ارجاع می دهد که از قاموس کتاب مقدس، ص ۶۲۰ نقل کرده است .
نویسنده در مورد فوق دچار چند اشکال شده . نخست این که : کتابی به نام داود نبی
وجود ندارد و این جانب احتمال می دادم که منظور نویسنده مزامیر داود باشد . اما هنگامی که
به قاموس کتاب مقدس مراجعه کردم دیدم که مستر هاکس به داود ۱۱: ۱۳ ارجاع داده که
منظور کتاب داوران ۱۱: ۱۳ است .

از دیگر نواقص کتاب، وضعیت تعدادی از نقشه هاست . همچنین نام کتاب ها و منابع
اروپایی است، که بعضاً نام این کتاب ها دوبار تکرار شده (صفحات ۴۸۷ و ۴۸۸ دیده می شود.)
به نظر می رسد که کتاب آقای بی آزار احتیاج به حروف چینی مجدد دارد و بهتر است که
ایشان اشکالات زیادی را که راقم تنها تا صفحه ۱۵۵- آن هم نه به طور جامع - برشمرده
برطرف کنند . موفقیت ایشان را آرزومندم .